

بررسی نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

محمدجواد توکلی*

چکیده

هر چند اقتصاد مقاومتی به طور عمده به عنوان الگوی برخاسته از نظام اقتصادی اسلام معرفی شده، ولی تصویر مشخصی از نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی ارائه نشده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به تبیین نسبت میان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی پرداخته می‌شود. بنا به فرضیه مقاله، اقتصاد مقاومتی یکی از کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی است که ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌باشد.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تعریف اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از کلان نظریه‌های اقتصادی اسلام به فهم بهتر جایگاه اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد اسلامی کمک می‌کند. در این چارچوب نظریه اقتصاد مقاومتی به تجزیه و تحلیل علل آسیب‌پذیری اقتصادی از نگاه اسلامی و راهبردهای اسلامی برطرف کردن این آسیب‌ها و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌پردازد. البته نظریه اقتصاد مقاومتی را می‌توان بر شرایط زمانی و مکانی جمهوری اسلامی ایران و یا دیگر کشورها تطبیق و ابعاد نظری آن را بسط داد.

ابعاد مختلف نظری نظریه اقتصاد مقاومتی با دیگر کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی در زمینه‌هایی همچون پیشرفت و عدالت نیز ارتباط می‌یابد. در این راستا، ادبیات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان با توجه به مباحث الگوی مقاوم‌سازی اقتصادی با رویکرد اسلامی ارتقا داد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ایران، اقتصاد تاب‌آوری، الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت.

طبقه بندی JEL: A19, P4

۱. مقدمه

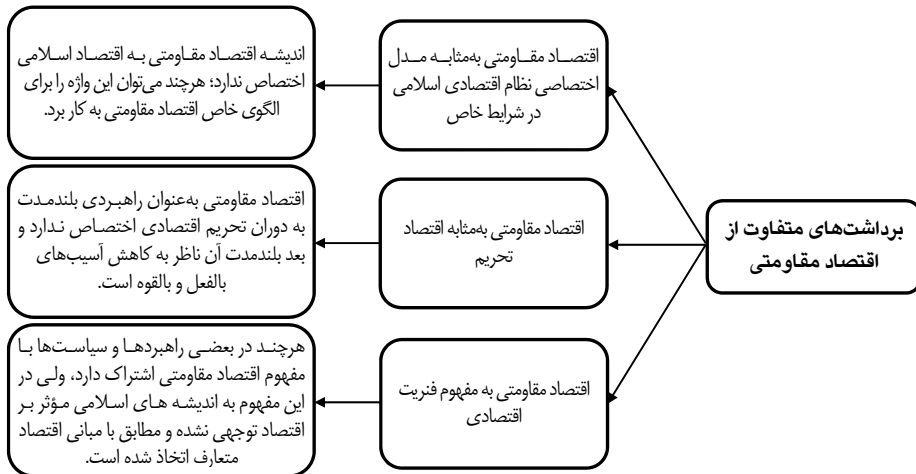
دهه اخیر همراه با تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این فضا، آیت‌الله خامنه‌ای ایده اقتصاد مقاومتی را برای نخستین بار در شهریور ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) مطرح کردند. در ادامه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ (۲۰۱۴) ابلاغ شد (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

هم‌زمان با طرح ایده اقتصاد مقاومتی، تلاشی نظری برای تبیین ابعاد این مفهوم آغاز شد. کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در این زمینه نوشته شده است (عبدالملکی، ۱۳۹۳؛ توکلی، ۱۳۹۶؛ یوسفی، ۱۳۹۵؛ یوسفی، ۱۳۹۶؛ سیف، ۱۳۹۱). در این میان یکی از ابهام‌ها، مشخص نبودن رابطه دقیق میان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی است. در لابه‌لای ادبیات اقتصاد مقاومتی به نکاتی در این باره اشاره شده است (میرمعزی، ۱۳۹۱). به‌طورنمونه، برخی اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان الگویی خاص از نظام اقتصادی اسلام در شرایط کنونی قلمداد کرده‌اند. در برخی آثار نیز اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی و زیربخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی معرفی شده است (توکلی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶).

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی بررسی می‌شود. در این بحث تلاش می‌شود رابطه این مفاهیم با برخی دیگر از مفاهیم مرتبط همانند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بررسی شود. در ادامه ابتدا برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود و سپس تعاریف اقتصاد اسلامی بررسی می‌شود. پس از آن به نسبت‌سنجی اقتصاد مقاومتی و اسلامی، تعریف اقتصاد مقاومتی، بیان زیرنظریه‌های اقتصاد مقاومتی، تحلیل رابطه نظریه اقتصاد مقاومتی با دیگر نظریات اقتصاد اسلامی از جمله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین نظریه‌های بدیل آن پرداخته خواهد شد.

۲. برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی

پس از معرفی اندیشه اقتصاد مقاومتی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است. در ادامه برخی از برداشت‌های مهم اقتصاد مقاومتی، که در شکل شماره ۱ نمایش داده شده، نقد و بررسی می‌شوند.



شکل ۱: برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی

الف) اقتصاد مقاومتی به‌مثابه مدل اختصاصی نظام اقتصادی اسلام در شرایط خاص: میرمعزی اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان شکلی خاص از نظام اقتصادی اسلام قلمداد می‌کند که «در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید» (۱۳۹۱، ص ۵۳). به نظر ایشان، اگر منظور آیت‌الله خامنه‌ای از اقتصاد مقاومتی کلیت نظام اقتصادی اسلام بود، «وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید کند» (همان).

به نظر می‌رسد که موقعیتی بودن اقتصاد مقاومتی به‌طور عمده مرتبط با تولد این اندیشه در شرایط تشدید تحریم‌ها بر ضد جمهوری اسلامی ایران است؛ وگرنه ضرورت این الگو به این شرایط اختصاصی ندارد. افزون بر اینکه گرایش به مقاوم‌سازی به نظام اقتصادی اسلام منحصر نیست؛ هرچند که می‌توان اندیشه اقتصاد مقاومتی را از دیگر اندیشه‌ها در زمینه مقاوم‌سازی اقتصادی متمایز نمود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد عدم اختصاص اقتصاد مقاومتی به کشور ما می‌فرماید:

گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها – به‌خصوص در این سال‌های اخیر – با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به‌وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل

مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

اگر اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگویی ناظر به اقتصاد ایران تلقی شود، دایره تحلیل آن محدود می‌شود. ممکن است ما نظریه اقتصاد مقاومتی را به صورت عام طرح نموده و هنگام تطبیق آن بر کشورهای مختلف به دنبال ارائه الگوهای متفاوت باشیم.

عبدالملکی نیز تعبیر مشابهی دارد. به نظر او، اقتصاد مقاومتی یک نسخه از نظام اقتصادی اسلام، یا یک نظام اقتصادی اسلام است. وی اقتصاد مقاومتی را انعکاس مکتب اقتصادی اسلام و نظام اقتصادی اسلامی در آینه زمان و مکان یا «نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلامی» می‌داند (۱۳۹۳، ص ۴۰-۴۱).

یوسفی نیز به صورت ضمنی اقتصاد مقاومتی را با مفهوم نظام اقتصادی گره می‌زند. به نظر وی، «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه، تضمین‌کننده رشد و شکوفایی اقتصاد می‌باشد. این نوع اقتصاد مردم‌بنیاد، عدالت‌محور، دانش‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، با رویکرد جهادی و انعطاف‌پذیر است» (۱۳۹۶، ص ۳۳).

ب) اقتصاد مقاومتی به‌مثابه اقتصاد تحریم: ترابزاده جهرمی و دیگران اقتصاد مقاومتی را معادل اقتصاد تحریم دانسته‌اند. به نظر آنها، اقتصاد مقاومتی «گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالان خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده ساخته است». براساس این برداشت، در اقتصاد مقاومتی مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب‌وکار، تجارت خارجی، و نهادهای مالی و واسطه‌ای براساس این «پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود» (۱۳۹۲، ص ۴۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین اقتصاد مقاومتی بر این نکته تأکید فرموده‌اند که این شیوه اقتصادی به وضعیت کنونی اقتصاد ایران و شرایط تحریمی اختصاص ندارد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، ... این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته می‌شود (همان).

ج) اقتصاد مقاومتی به مفهوم فنریت (تاب‌آوری) اقتصادی: سیف اقتصاد مقاومتی را معادل «فنریت اقتصادی»^۱ قلمداد کرده است. فنریت یا تاب‌آوری اقتصادی به معنای توانایی مقاومت اقتصاد در مقابل شوک‌های اقتصادی و جذب آنها می‌باشد که با استفاده از راهبردهایی همچون مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی تقویت می‌شود. فنریت اقتصادی با استفاده از شاخص‌هایی چون ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی سنجیده می‌شود. سیف (۱۳۹۱) در ادامه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی بر پایه مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد می‌نماید. وی همچنین راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف را در مواجهه با تحریم اقتصادی غرب پیشنهاد می‌نماید.

سیفلو (۱۳۹۳) برداشت مشابهی از مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد. وی اقتصاد مقاومتی را مفهومی بسیار نزدیک به اقتصاد تاب‌آور^۲ و یا آنچه سیف (۱۳۹۱) فنریت اقتصادی نامیده، می‌داند، که حجم قابل توجهی از ادبیات اقتصادی بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار را به خود اختصاص داده است. به نظر او، آسیب‌پذیری اقتصادی^۳ مفهوم مقابل تاب‌آوری اقتصادی است. سیفلو (۱۳۹۳) معتقد است که این برداشت از اقتصاد مقاومتی از مفهوم انفعالی مقاوم‌سازی اقتصادی فراتر می‌رود و ابعاد فعالانه‌تری به خود می‌گیرد. بر این اساس، اقتصاد مقاومتی صرفاً به معنای «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نبوده و می‌تواند ابعادی چون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی آیت‌الله خامنه‌ای را نیز شامل شود. اقتصاد مقاومتی هرچند در بعضی از راهبردها و سیاست‌ها مشابه با مفهوم انعطاف‌پذیری و فنریت اقتصادی است، اما برخلاف فنریت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی در بستر اندیشه اقتصاد اسلامی معرفی شده و نباید آن را در مورد رویکردهای مقاوم‌سازی غیراسلامی به کار برد که با عناوینی همچون تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری معرفی شده است.

1 .Economic resilience

2 .Resilient Economy

3 .Economic vulnerability

۳. نسبت‌سنجی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

یکی از ابعاد مهم در تبیین اقتصاد مقاومتی تعیین نسبت آن با اقتصاد اسلامی است. سؤال از نسبت این دو، به‌طور عمده ناظر به رابطه بین آن دو در سطح ایده و اندیشه است. در این باره تعیین رابطه بین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به‌عنوان دو اندیشه تحلیل چندانی صورت نگرفته است. همان‌گونه که بیان شد، برخی پژوهشگران، اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان شکلی خاص از نظام اقتصادی اسلام قلمداد کرده‌اند که «در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید» (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). برخی نیز آن را نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلامی» دانسته‌اند (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ص ۴۰-۴۱).

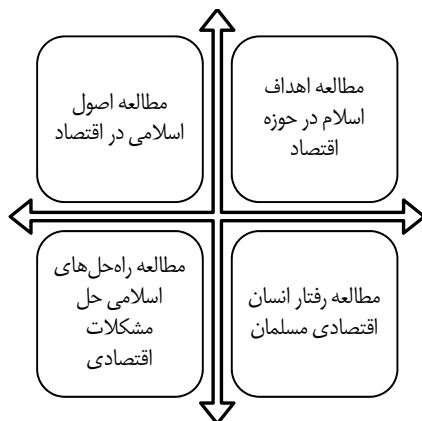
در نسبت‌سنجی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی باید بین دو سطح اندیشه‌ای و عینی تمایز قائل شد. گاه ما اقتصاد اسلامی و مقاومتی را به‌عنوان دو ایده و اندیشه مقایسه می‌کنیم. در برخی موارد نیز از یک اقتصاد مقاوم و اقتصاد اسلامی به‌عنوان وجودهای عینی سخن به میان می‌آوریم. اگر نظام اقتصادی اسلامی را ظهور عینی اندیشه اقتصاد اسلامی بدانیم، نام‌گذاری آن به اقتصاد مقاومتی دچار ابهام خواهد شد، مگر آنکه عینیت اقتصاد مقاومتی را شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلامی بدانیم.

براین اساس، مناسب است که در مقایسه اقتصاد اسلامی و مقاومتی بین دو سطح اندیشه‌ای و عینی تفکیک شود. اگر اقتصاد مقاومتی، به مفهوم عینی، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلامی باشد، اقتصاد مقاومتی به مفهوم یک اندیشه نیز بعد خاصی از اندیشه اقتصاد اسلامی خواهد بود. در این صورت، سؤال این است که بدنه نظری اقتصاد اسلامی که مشتمل بر مجموعه‌ای از نظریات و الگوها می‌باشد، چه نسبتی با بدنه نظری اقتصاد مقاومتی دارد که قاعدتاً آن هم مشتمل بر نظریات و الگوهای است.

برای نسبت‌سنجی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی باید ابتدا برداشت درستی از هر یک از این دو مفهوم داشت و سپس ارتباط آن دو را بررسی کرد. یکی از دشواری‌های این تحلیل وجود تعاریف متعدد از اقتصاد اسلامی و همچنین ارائه برداشت‌های مختلف از اقتصاد مقاومتی است. در ادامه برای تبیین نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به بررسی تعاریف آنها پرداخته می‌شود.

۴. تعریف اقتصاد اسلامی

پژوهشگران مسلمان تعاریف مختلفی از اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند. فاروقی (۲۰۱۵) تعاریف ارائه شده از اقتصاد اسلامی را در چهار گروه تعاریف ناظر به اصول، اهداف، راهکارهای اقتصادی اسلام و همچنین رفتارشناسی انسان مسلمان جای می‌دهد (Furqani, 2015, pp. 8-20). گروه پنجمی نیز می‌توان به این تعاریف افزود که رویکردی ترکیبی به اقتصاد اسلامی دارند.



شکل ۲: دسته‌بندی تعاریف اقتصاد اسلامی از نگاه فاروقی، ۲۰۱۵

تعاریف اقتصاد اسلامی

براساس دسته‌بندی فاروقی (۲۰۱۵)، برخی متفکران مسلمان اقتصاد اسلامی را به مطالعه، استخراج و به‌کارگیری گزاره‌ها و اصول اسلامی در اقتصاد تعریف می‌کنند. گروهی نیز اقتصاد اسلامی را مطالعه‌ای در زمینه دستیابی به اهداف اسلامی در اقتصاد می‌دانند. در برخی از آثار نیز اقتصاد اسلامی به‌عنوان مطالعه‌ای پیرامون مشکلات اقتصادی و راه‌های حل آن در اسلام معرفی شده است. برخی نیز اقتصاد اسلامی را به‌عنوان مطالعه رفتار انسان (انسان مسلمان) در انتخاب و تصمیم‌گیری قلمداد کرده‌اند (Furqani, 2015, pp. 1-24).

برای تکمیل دسته‌بندی فرقانی باید دسته پنجمی را نیز به تعاریف یادشده افزود. این دسته شامل تعاریف ترکیبی اقتصاد اسلامی است که در آن اقتصاد اسلامی متکفل بررسی مشکلات، اهداف، رفتارها و تدابیر اقتصاد اسلامی می‌باشد. در ادامه ۳۰ تعریف ارائه شده از اقتصاد اسلامی در قالب پنج دسته زیر معرفی و تحلیل می‌شود.

مطالعه اهداف اسلام در حوزه اقتصاد

– اقتصاد اسلامی راهی است که اسلام مایل است در زندگی اقتصادی در راستای تحقق عدالت دنبال شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۷-۳۸۴)؛

– اقتصاد اسلامی دانش و کاربرد موازین و قواعد شریعت (قوانین اسلامی الهی) است که مانع از بی‌عدالتی در تحصیل و دسترسی به منابع مادی با هدف تأمین رضایت خاطر افراد و قادر نمودن آنها برای عمل به تعهداتشان در برابر خدا و جامعه است (Hasanuzzaman, 1984, p. 50)؛

- اقتصاد اسلامی راهی است که اسلام در زمینه رفتار فردی و اجتماعی در عرصه اقتصاد تجویز می‌کند و قوانین اسلامی در این زمینه را بررسی می‌کند (Taskhiri, 1996, p. 120):
- اقتصاد اسلامی بخشی از دکرترین اجتماعی اسلام است که به بررسی مشکلات انتخاب در مواجهه با عدم اطمینان و کمیابی منابع با هدف تقویت فلاح در یک چارچوب کل‌گرایانه می‌پردازد (Hasan, 1998, pp. 1-40):
- اقتصاد اسلامی اقتصادی است که بر جامعه‌ای حکم فرماست که براساس تعالیم دینی استوار شده؛ نهادهای این جامعه براساس اصول اسلامی کار می‌کنند؛ اعضای این جامعه نیز به ارزش‌های اسلامی باور دارند و در زندگی روزمره‌شان راه مستقیم اسلامی را می‌روند (Attia, 2007, p. 224).
- اقتصاد اسلامی به نظامی گفته می‌شود که توزیع ثروت و درآمد را میان همه افراد جامعه سامان می‌دهد و امکان کسب درآمد و بهره‌مندی از آن را فراهم می‌سازد (الخالدی، ۱۹۸۴م، ص ۳).
- اقتصاد اسلامی «مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌هایی است که براساس مکتب اسلام شکل گرفته و سعی در ارائه الگویی مناسب برای بهبود زندگی اجتماعی با کمک تعالیم اسلامی دارد» (غفاری و یونسی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

مطالعه چگونگی دستیابی به اهداف اسلامی در اقتصاد

- اقتصاد اسلامی به مطالعه فلاح انسان می‌پردازد که با استفاده از سازماندهی منابع زمین براساس همکاری و مشارکت تحقق می‌یابد (Khan, 1984, p. 55):
- اقتصاد اسلامی علمی است که به مطالعه چگونگی تأمین نیازهای انسان، در سطح فردی و جمعی، با به‌کارگیری منابع براساس چارچوب و اصول اسلامی می‌پردازد (Ghanim, 1991, p. 65):
- اقتصاد اسلامی تلاشی برای فرمول‌بندی اقتصاد انسانی و اجتماعی است که گستردگی فردگرایی در اقتصاد کلاسیک را نفی می‌کند (Abu-Rabi, 1994, p. 82):
- اقتصاد اسلامی دانشی است که به تحقق خوشبختی انسان از طریق تخصیص و توزیع منابع کمیاب به شکلی هماهنگ با مقاصد (شریعت) کمک می‌کند؛ بدون اینکه محدودیتی غیرضروری برای آزادی فردی ایجاد کند، باعث بروز عدم تعادل‌های مستمر اقتصاد کلان و اکولوژیکی شود و یا به تضعیف خانواده و استحکام روحیه اخلاقی جامعه بینجامد (Chapra, 2000, p. 125):
- اقتصاد اسلامی علمی است که به مطالعه بهترین شیوه ممکن در استفاده از منابع اقتصادی در دسترس، به‌عنوان نعمت‌های الهی، برای تولید بیشترین مقدار ممکن از کالاها و خدمات حلال

مورد نیاز جامعه در زمان حال و آینده و توزیع عادلانه این محصولات براساس چارچوب شریعت و اصول آن می‌پردازد (Yousri, 2002, p. 28)؛

- اقتصاد اسلامی روش و برنامه عملی اسلام برای تغییر وضع نامطلوب اقتصادی، ساماندهی روابط اقتصادی و ایجاد روابط صحیح اقتصادی است (تسخیری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹-۱۹۰).

مطالعات مشکلات اقتصادی و راه‌حل‌هایش از نگاه اسلامی

- اقتصاد اسلامی یک دانش اجتماعی ترکیبی است که به مطالعه مشکلات تولید، توزیع و مصرف در چارچوب سیستم ترکیبی مبادله و انتقال در طول زمان و نتایج اجتماعی و اخلاقی آن از نگاه عقلانیت اسلامی می‌پردازد (Mannan, 1984, p. 126)؛

- اقتصاد اسلامی دانش اجتماعی است که به مطالعه مشکلات اقتصادی مردمی می‌پردازد که متأثر از ارزش‌های اسلام می‌باشند (Mannan, 1986, p. 3)؛

- اقتصاد اسلامی رویکردی در تفسیر و حل مشکلات اقتصادی انسان بر پایه ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و نهادهای برخاسته و استخراج شده از منابع معرفتی در اسلام می‌باشد (Haneef, 1997, pp. 39-65)؛

- اقتصاد اسلامی پاسخ متفکران مسلمان به چالش‌های اقتصادی زمانشان است. آنها در این تلاش از قرآن و سنت و همچنین عقل و تجربه بهره می‌گیرند (Siddiqi, 2005, pp. 1-30)؛

- اقتصاد اسلامی رشته علمی است که به دنبال تجزیه و تحلیل نظری-تجربی واقعیت‌های اقتصادی شناخته شده و امکانات اقتصادی ممکن، در پرتو اصول اسلامی عاری از استعمار، به منظور کشف کارآمدترین ابزارهای تقویت تولید، توزیع عادلانه آن و مصرف متعادل از نقطه‌نظر کاهش مشکلات اقتصادی تسهیل و زیبا نمودن زندگی انسان برای صلح، تمول و توسعه تمامی انسان‌ها می‌باشد (Anjum, 1996, pp. 53-90)؛

- اقتصاد اسلامی به مطالعه منابع کمیاب و توسعه آنها به منظور تأمین نیازهای انسان براساس قواعد اسلامی می‌پردازد (Masry, 1999)؛

- اقتصاد اسلامی شاخه‌ای از معرفت است که به دنبال تحلیل، تفسیر و حل مشکلات اقتصادی با مراجعه به روش‌شناسی اسلامی است (Iqbal & Lewis, 2009)؛

- اقتصاد اسلامی علمی است که از یک‌سو، احکام شرعی و راه‌حل‌های اسلامی، موضوع‌ها، مستحده‌ها و دشواری‌های اقتصادی و از سوی دیگر، نظریه‌ها و قوانین اقتصادی را در پرتو آموزه‌ها و ارزش‌های اقتصادی بررسی می‌کند. تمام این بررسی‌ها، برای استخدام منابع با بیشترین کارایی و

توزیع تولیدات با بیشترین درجه از عدالت صورت می‌گیرد تا به بیشترین درجه رفاه، امنیت و ثبات بینجامد (حطاب، ۱۴۲۴ق، ص ۹).

- اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از اصول و مبادی اقتصادی مطرح شده از سوی اسلام در نصوص قرآن و سنت، و روش‌ها و طرح‌ها و راه‌حل‌های اقتصادی اتخاذشده از سوی مقامات حکومتی بر مبنای آن است (فنجری، ۱۹۷۱، ص ۵۷-۵۸).

مطالعه انتخاب‌های انسان مسلمان

- اقتصاد اسلامی مطالعه رفتار اقتصادی مسلمانان واقعی در جامعه‌ای است که به دکترین‌های اسلامی برآمده از قرآن، سنت، اجماع و قیاس پایبند می‌باشند (Metwally, 1993)؛

- اقتصاد اسلامی مطالعه رفتار مسلمان نمونه در یک جامعه اسلامی مدرن است (Naqavi, 1994)؛

- اقتصاد اسلامی، به اختصار، به بررسی کمیابی و انتخاب براساس رویکرد اسلامی و به بیانی مفصل‌تر، به بررسی منابع کمیاب و توسعه آن برای برآورده کردن نیازهای انسان براساس احکام اسلامی می‌پردازد. به بیانی مفصل، اقتصاد اسلامی به بررسی تولید ثروت (و لوازم این تولید در تخصیص منابع)، مصرف، مبادله و توزیع آن با توجه به اهداف و تعالیم اسلامی می‌پردازد (مصری، ۲۰۰۱، ص ۲۲)؛

- اقتصاد اسلامی مطالعه رفتار اقتصادی مردان و زنان به‌عنوان عاملان اقتصادی فردی و جوامع و پدیده‌های جمعی است (Kahf, 2003, pp. 23-47).

مطالعه مشکلات، اهداف، رفتارها و تدابیر اقتصادی اسلامی

اقتصاد اسلامی مشتمل بر اقتصاد تشریحی شامل دو بخش نظام اقتصادی (وضعیت اقتصادی مطلوب و ارزیابی وضعیت اقتصادی موجود) و احکام اقتصادی (احکام تکلیفی و وضعی)؛ اقتصاد تحلیلی (تجزیه و تحلیل رفتار اقتصادی افراد به منظور دستیابی به قدرت پیش‌بینی) و اقتصاد تدبیری (تدابیر مبتنی بر قواعد اقتصاد تشریحی جهت بهبود وضعیت اقتصادی جامعه) است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ص ۸-۱۴).

- اقتصاد اسلامی «مجموعه احکام و مقررات اقتصادی است که مبتنی بر اصول، مبانی و قواعد اقتصادی، نظریات و روش‌های هماهنگی را ارائه می‌دهد تا از ماهیت، وظایف، اهداف و روابط اقتصادی انسان‌ها به دست آید. روابط یادشده بین انسان و طبیعت با خداوند متعال تصور می‌شود و

در مسیر تکاملی، انسان و جامعه را به قرب الی الله سوق می‌دهد» (حاجی، ۱۹۸۷م، ص ۳۳)؛
- اقتصاد اسلامی متشکل از مذهب و نظام اقتصادی اسلامی است. مذهب اقتصادی اسلامی مجموعه‌ای از قواعد، اصول و اهدافی است واقعیت اقتصادی بر آن بنا شده و از طرف خداوند وضع شده است (مانند اصل مالکیت حقیقی اموال برای خداوند، اصل لزوم ایجاد توازن اقتصادی). نظام اقتصادی اسلامی نیز گام‌های عملیاتی است که دولت برای اثرگذاری بر زندگی اقتصادی و تحقق اهداف معین شده برمی‌دارد (ترکمانی، ۱۹۹۰، ص ۱۱۰-۱۱۲)؛

- اقتصاد اسلامی مشتمل بر مکتب، نظام و علم اقتصاد اسلامی می‌باشد. مذهب اقتصادی اسلام مشتمل بر قواعد کلی اسلام برای تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در جهت رفع دشواری‌ها و دستیابی به هدف‌های اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۳).
نظام اقتصادی اسلام «مجموعه‌ای نظام‌مند از رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب در جهت هدف‌های مورد نظر اسلام است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۴۵). علم اقتصاد اسلامی نیز دانشی است که «هدف آن شناسایی راه‌های تحقق وضعیت اقتصادی مطلوب اسلامی مستنبط است» (میرمعزی، ۱۳۹۴ ب، ص ۲۰ و ۲۴).

اقتصاد اسلامی دارای دو بخش مذهب اقتصادی (بعد ثابت) و نظام اقتصادی (بعد متغیر) است. مذهب اقتصاد اسلامی اصول و سیاست‌های اقتصادی ثابتی است که از قرآن و سنت استنباط می‌شود. نظام اقتصادی اسلامی نیز حاکی از تطبیق این اصول بر شرایط مکانی و زمانی مختلف و حاوی نظام‌ها و راه‌حل‌های اقتصادی بر پایه این اصول و اقتضائات محیطی هر دوره است (جنیدل، ۱۴۰۶ ه، ص ۳۱).

دو سطح اهداف اقتصاد اسلامی

در تعاریف اقتصاد اسلامی، دو سطح از اهداف قابل تفکیک است: سطح اول، هدف و کارکرد نظریات اقتصاد اسلامی و سطح دوم، اهداف نظام اقتصادی اسلام است. این دو سطح هدف را می‌توان در یکدیگر ترکیب و در قالب کارکردهای نظریات اقتصاد اسلامی بیان کرد.

الف) اهداف و کارکرد نظریه اقتصاد اسلامی: در تعاریف اقتصاد اسلامی به اهداف تدوین نظریات با اهدافی همچون تبیین، پیش‌بینی و تجویز توجه شده است. در دسته اول تا سوم تعاریف مورد اشاره فرقانی، اقتصاد اسلامی به‌عنوان دانشی تجویزی تلقی شده که چگونگی تحقق اهداف اسلام در حوزه اقتصاد و همچنین راهبردهای اسلامی برای حل مشکلات اقتصادی را بررسی می‌کند. در رویکرد دوم، که در چهارمین دسته‌بندی فرقانی آمده، اقتصاد اسلامی به‌عنوان نوعی دانش

انتخاب تلقی شده که اقدام به تبیین و پیش‌بینی انتخاب‌های انسان مسلمان می‌کند.^۱ دسته پنجم نیز به ترکیبی از اهداف سه‌گانه تبیین، پیش‌بینی و تجویز توجه دارد.

ب) اهداف نظام اقتصادی اسلام: در تعاریف اقتصاد اسلامی، بر لزوم شناسایی اهداف اقتصادی مورد نظر اسلام و چگونگی دستیابی به آن تأکید شده است. این اهداف در واقع اهداف نظام اقتصاد اسلامی می‌باشند. در تعاریف اقتصاد اسلامی به اهدافی فرا-اقتصادی (چون فلاح، خوشبختی، آرامش، ممانعت از تضعیف خانواده، تأمین نیازهای معنوی، صیانت و حفظ آزادی انسان، رشد اخلاقی) و اقتصادی (تخصیص بهینه منابع، کارایی، رفاه، ریشه‌کن کردن فقر و ترس از جامعه، تأمین نیازهای اساسی تمام افراد جامعه، حداکثر کردن بهره‌برداری از منابع، بهره‌گیری هرچه بهتر از بیشترین منابع عدالت اقتصادی، برابری فرصت‌ها و اخلاق اقتصادی) اشاره شده است (ر.ک: صدیقی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۰-۲۷۱).

با در نظر گرفتن هر دو سطح اهداف نظریه اقتصاد اسلامی می‌توان عنوان داشت که نظریات اقتصاد اسلامی به تجزیه و تحلیل اهداف نظام اقتصادی اسلام و چگونگی دستیابی به آن می‌پردازند. بر این اساس، نظریه در اقتصاد اسلامی دارای سه کارکرد تبیین، پیش‌بینی و تجویز در زمینه اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشند.

در میان اهداف اقتصادی، سه هدف رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی و ایجاد ثبات اقتصادی در بسیاری از تعاریف مورد توجه است. برخی محققان با اشاره به روایتی از امام صادق علیه السلام، رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را به‌عنوان سه هدف محوری در اقتصاد اسلامی یا نظام اقتصادی اسلام معرفی می‌کنند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). در این روایت امام صادق علیه السلام، امنیت، عدالت و فراوانی را سه نیاز عمومی تمامی انسان‌ها بیان می‌فرمایند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۴).

با در نظر گرفتن سه هدف محوری اقتصاد اسلامی، می‌توان تعریف دقیق‌تری از اقتصاد اسلامی با توجه به اهداف مورد نظر اسلام به شرح زیر ارائه کرد:

اقتصاد اسلامی دانشی است که به بررسی چگونگی تحقق اهداف اقتصادی اسلام به‌خصوص رشد، عدالت و امنیت اقتصادی در راستای تحقق حیات طیبه و سعادت دنیا و آخرت انسان (قرب الهی و تحقق خلیفه‌اللهی) با توجه به قانونمندی‌ها و سنن حاکم بر رفتارهای اقتصادی می‌پردازد.

۱. براساس دیدگاه برخی پژوهشگران اقتصاد اسلامی، منحصر کردن اقتصاد اسلامی به تحلیل رفتار اقتصادی در جامعه اسلامی باعث محدود شدن دایره آن می‌شود (قحف، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲). این در حالی است که برخی گزاره‌های تحلیلی اقتصاد اسلامی در مورد جوامع غیراسلامی نیز صادق است. برای نمونه، مشکلات ربا برای اقتصاد جامعه تنها به جامعه اسلامی اختصاص ندارد؛ هر جامعه‌ای که در آن ربا رواج پیدا کند با همین مشکلات روبه‌رو خواهد شد.

در تعریف بالا، افزون بر توجه به اهداف سه‌گانه رشد، عدالت و امنیت اقتصادی، به این نکته توجه شده است که در رویکرد اسلامی، تحقق اهداف اقتصادی اسلام مقدمه‌ای برای تحقق هدف خلقت است که همان دستیابی به حیات طیبه و سعادت دنیا و آخرت انسان (قرب الهی و تحقق خلیفه‌اللهی) می‌باشد. برای بررسی چگونگی تحقق اهداف اقتصادی اسلام، تبیین و پیش‌بینی رفتارها و کارکردها در نظام اقتصادی اسلام ضروری است.

در ادبیات اقتصاد اسلامی توجه خاصی به هدف عدالت شده است. برای نمونه شهید صدر، در نظریه عدالت خود، کار و نیاز را به‌عنوان دو منشأ استحقاق برشمرده (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۴۸) و ابعاد هنجاری و سیاستی عدالت در اسلام را در قالب نظریات توزیع قبل از تولید و پس از تولید معرفی می‌کنند (همان، ص ۴۳۱-۵۵۵).

برخی نظریه‌پردازان اقتصادی در قالب مباحثی چون چگونگی تخصیص بهینه منابع به نیازها به هدف رفاه و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. صدیقی در بررسی خود از تحقیقات اقتصاد اسلامی بر این نکته تأکید می‌کند که «رفاه اقتصادی یکی از اهدافی است که تمام نویسندگان بر آن تأکید کرده‌اند» (۱۳۷۴، ص ۲۷۰). برخی از محققان اقتصاد اسلامی به شکلی گذرا به مقوله امنیت، ثبات و استحکام اقتصادی نیز پرداخته‌اند. در این راستا عنوان شده است که نباید اقتصاد جامعه اسلامی دچار عدم تعادل اقتصادی شود و رشد آن باید پایدار باشد. این هدف مقوله‌ای است که زمینه تعریف اقتصاد مقاومتی را در چارچوب مباحث اقتصاد اسلامی فراهم می‌کند.

تمایز مکتب، علم و نظام اقتصادی اسلام

یکی از سؤالات مطرح در زمینه اقتصاد اسلامی این است که آیا نظریات آن از مقوله خطوط کلی، بایدها و نبایدهای حقوقی، گزاره‌های علمی و یا گزاره‌های ناظر به نظام اقتصادی است. توجه به هویت نظریات اقتصاد اسلامی می‌تواند به نسبت‌سنجی میان اقتصاد اسلامی و مقاومتی کمک کند.

اقتصاددانان مسلمان به پیروی از شهید صدر به‌طور معمول از تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی سخن گفته‌اند. مکتب اقتصادی به‌طور عمده هویتی هنجاری دارد که ناظر به قواعد اساسی زندگی اقتصادی بر مبنای عدالت و راهبردهای پذیرفته شده (یا تجویزی) برای حل مشکلات اقتصادی می‌باشد. علم اقتصاد اسلامی نیز هویتی اثباتی دارد و به تبیین پدیده‌های اقتصادی در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام می‌پردازد.

نظریات مکتب اقتصادی اسلام، با چند ویژگی قابل شناسایی است: اول، این نظریات روش حل مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی را نشان می‌دهند؛ دوم، این نظریات قواعد اساسی ناظر به زندگی اقتصادی مرتبط با عدالت اقتصادی یا راه‌حل مشکلات زندگی اقتصادی در راستای تحقق

عدالت را بازگو می‌کنند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۷ و ۳۸۳)؛ سوم، نظریات مکتب اقتصادی اسلام بیانگر ارزش‌های حاکم بر نظام اقتصادی اسلام نیز می‌باشند. بر این اساس، مکتب اقتصادی اسلام مشتمل بر قواعد کلی اسلام برای تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در جهت رفع دشواری‌ها و دستیابی به اهداف اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۹۴الف، ص ۱۳).

بر این اساس، مکتب اقتصادی اسلام، حاوی نظریاتی پیرامون اهداف اقتصاد اسلامی، ساختارهای نهادی مطلوب در اقتصاد اسلامی و قواعد کلی اسلام برای تنظیم روابط اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی می‌باشد. از این‌رو، مباحث مربوط به آزادی اقتصادی، لغو بهره و ملی کردن ابزار تولید در زمره نظریات مکتب اقتصاد اسلامی جای می‌گیرند (همان، ص ۳۸۲).

با در نظر گرفتن تفکیک میان بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصادی اسلام، قواعد بخش اول ثابت و غیرقابل تغییر است؛ اما قواعد بخش متغیر، بخش خالی (منطقه الفراغ قانون‌گذاری اقتصادی) براساس اقتضانات اهداف عمومی اقتصاد اسلامی و شرایط زمانی تدوین می‌شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰). قواعد متغیر احکام دائمی نیستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، به‌عنوان ولی امر، اقدام به وضع آنها کرده است (همان، ص ۴۰۱). قانونگذاری در بخش متغیر مکتب اقتصادی تا حدود زیادی به مفهوم تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی نزدیک است؛ زیرا قوانین مزبور دائمی نیستند و با توجه به اقتضانات حکومتی وضع می‌شوند. در این صورت، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام را شکل می‌دهند. سیاست اقتصادی از این جهت که با توجه به اوضاع و احوال جامعه وضع می‌شود، حالتی مقطعی دارد و از ساختارسازی مرتبط با بخش ثابت مکتب اقتصادی متمایز است.

برخلاف مکتب اقتصاد اسلامی که رویکردی هنجاری دارد، علم اقتصاد اسلامی بدون ارزش‌دآوری براساس عدالت، به دنبال تبیین واقعیت‌ها و قانونمندی‌های اقتصادی در جامعه‌ای است که قواعد مکتب اقتصاد اسلامی بر آن تطبیق یافته باشد (همان، ص ۳۸۱، ۳۳۱-۳۳۲). بر این اساس، موضوع علم اقتصاد اسلامی پدیده اقتصادی موجود در جامعه اسلامی است (شوقی دنیا، ۱۹۷۱، ص ۱۸۱-۲۰۶). البته برخی محققان اقتصاد اسلامی نظریات علم اقتصاد اسلامی را به‌واسطه هویت جهانی‌اش، مختص به جامعه اسلامی نمی‌دانند (قحف، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶). برخی دیگر از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، نیز از امکان شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی مطلق (ناظر به مطلق جامعه اسلامی) و مقید (ناظر به جامعه اسلامی) سخن گفته‌اند. در این چارچوب، علم اقتصاد اسلامی مقید ناظر به جامعه‌ای است که در آن مکتب و نظام اقتصادی اسلام تحقق یافته است (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱).

برخی پژوهشگران مسلمان، نظام اقتصادی اسلامی را به عنوان بخش سوم اقتصاد اسلامی در کنار مکتب و علم اقتصاد اسلامی قلمداد کرده‌اند. در تعبیر ایشان نظام اقتصادی اسلام در مفاهیم متعددی همچون جلوه عینی مکتب اقتصادی اسلام (مصباحی مقدم و زریباف، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۱۴، مجموعه نظام‌مند از رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۴۵) و ترتیبات نهادی برای تحقق اهداف مکتب اقتصادی اسلام (دادگر، ۱۳۸۱، ص ۴۰) به کار رفته است.

برداشت‌های ارائه شده از حوزه مطالعاتی نظام اقتصادی اسلام با مشکلاتی همچون همپوشانی با مکتب اقتصادی اسلام روبه‌رو است. برای نمونه، در تعاریف ارائه شده از نظام اقتصادی مباحثی همچون ساختارهای نهادی مطلوب اسلام در زمینه‌هایی چون حقوق مالکیت، مکانیسم تصمیم‌گیری اقتصادی، و ارزش‌های پذیرفته شده در اقتصاد اسلامی مطرح شده که این مباحث در ذیل مکتب اقتصاد اسلامی نیز بحث می‌شوند. بر این اساس، برخی نظام اقتصادی را معادل یا زیرمجموعه مکتب اقتصادی دانسته‌اند (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۶۳).

در همین راستا، برخی پژوهشگران اقتصاد اسلامی مباحث نظام اقتصادی اسلام^۱ را همانند مکتب اقتصادی اسلام تعریف کرده و آن را ناظر به این می‌دانند که در رویکرد اسلامی زندگی اقتصادی جامعه چگونه باید باشد. ایشان در مقابل از تحلیل اقتصادی اسلامی^۲ سخن می‌گویند که به تحلیل نهادها و رویدادهای زندگی اقتصادی جوامع به شکل عام (نه فقط جامعه اسلامی) و تبیین علل و عوامل اثرگذار بر آن می‌پردازد. از نگاه ایشان، تحلیل اقتصادی اسلامی متکفل ارائه سیاست‌ها و راه‌حل‌های اسلامی برای حل مشکلات اقتصادی با کمک گرفتن از قواعد نظام اقتصادی اسلام می‌باشد (Zarqa, 2003, p. 33).

کارکردهای سه‌گانه نظریات سه‌گانه اقتصاد اسلامی

اقتصاددانان هنگام نظریه‌پردازی معمولاً سه کار مهم انجام می‌دهند: ۱. تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی؛ ۲. توصیف و اندازه‌گیری پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی و ۳. ارزیابی و توصیه درباره وضعیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی (Boadway & Neil, 1993, pp. 2-3). کارکردهای سه‌گانه یادشده را می‌توان برای نظریات اقتصاد اسلامی نیز در نظر گرفت. بر این اساس، برای نظریات اقتصاد اسلامی، صرف نظر از مباحث مطرح شده در تفکیک مکتب، علم و

1. Islamic Economic System.

2. Islamic Economic Analysis

نظام اقتصاد اسلامی، می‌توان سه هدف عمده توصیف، تبیین و پیش‌بینی و تجویز سیاست اقتصادی را در نظر گرفت.

در این راستا، برخی نظریات اقتصادی به توصیف واقعیت‌های اقتصادی می‌پردازند. نظریات مرتبط با شاخص‌های اقتصادی در این دسته جای می‌گیرند. برخی از نظریات اقتصاد اسلامی نیز به تبیین و پیش‌بینی رفتارهای عاملان اقتصادی و یا کارکرد نظام اقتصادی اسلام می‌پردازند. دسته‌ای از نظریات اقتصاد اسلامی نیز ارزش‌های محوری در اقتصاد اسلامی و همچنین جهت‌گیری‌های کلی برای سازماندهی اقتصاد جامعه اسلامی براساس این ارزش‌ها و حل مشکلات اقتصادی آن را بیان می‌کنند. اهداف سه‌گانه مورد اشاره می‌تواند مبنای تفکیک میان نظریات توصیفی، تبیینی و سیاستی در اقتصاد اسلامی شود. برای نمونه، نظریه عدالت اقتصادی، نظریه توزیع قبل از تولید و پس از تولید، نظریه مسئولیت‌های دولت اسلامی در زمره نظریات سیاستی اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان نیز یک نظریه تبیینی است. نظریه حسابداری ملی در رویکرد اسلامی نیز می‌تواند یکی از نظریات توصیفی در اقتصاد اسلامی باشد.

۵. تعریف اقتصاد مقاومتی

از آنجاکه اندیشه اقتصاد مقاومتی ابتدا توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده، برای تعریف آن و بیان مؤلفه‌هایش باید بیانات مختلف ایشان را در کنار یکدیگر مطالعه کرد. در خلال بیانات ایشان، تعاریف زیر از اقتصاد مقاومتی ارائه شده است:

- «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶)؛

- «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، ... و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹)؛

- «اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیرتحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱)؛

- «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیور و نمی‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱)؛

- «در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱)؛

- «اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶).

در تعاریف یادشده اقتصاد مقاومتی هم ناظر به یک اندیشه (ایده اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصاد مقاومتی) و هم یک عینیت خارجی (اقتصاد مقاوم، اقتصاد مستحکم، اقتصاد غیرشکننده) مطرح شده است. بعد اندیشه‌ای هویت نظری دارد و بعد عینی به واقعیت بیرونی ناظر است. در بعد بیرونی ما از اقتصاد مقاوم سخن می‌گوییم و در بعد اندیشه‌ای از نظریه اقتصاد مقاومتی بحث می‌کنیم. در واقع مباحث نظری اقتصاد مقاومتی در مورد اقتصاد مقاوم به‌عنوان یک پدیده قابل تحقق عینی است.

در بعد اندیشه‌ای، که موضوع این مقاله است، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان، «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی»، و «الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام» معرفی شده است. الگویی که هدف از تبیین و طراحی آن «مقابله با جنگ اقتصادی تمام عیار تحمیل شده بر کشور»، و «مخاطرات و نااطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی» است. الگوی اقتصاد مقاومتی، از الگوی اقتصاد ریاضتی متمایز دانسته شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). در این الگو، اقتصاد مقاوم با مختصاتی همچون دانش‌بنیانی، عدالت‌بنیانی، درون‌زایی، و برون‌گرایی، پویایی و پیشروی شناخته می‌شود (سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی).

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بخشی از الگوی نظری اقتصاد مقاومتی را تشریح می‌کند. این سیاست‌ها ماهیتی بلندمدت داشته و مقطعی نیستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹)؛ به زمان خاصی اختصاص ندارد و در همه مقاطع حتی در زمان عدم وجود تحریم موضوعیت دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۰).

اقتصاد مقاومتی به مفهوم یک الگو / نظریه در زمینه اقتصاد مقاوم

اقتصاد مقاومتی به مفهوم اقتصاد مقاوم

شکل ۳: دو بعد مفهومی اقتصاد مقاومتی

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اقتصاد مقاومتی به مثابه یک اندیشه، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). یکی از مختصات محوری این الگو آن است که اجرای آن باعث «کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی» کشور در مواجهه با ترفندهای همیشگی دشمنان (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و تقویت «استحکام اقتصادی» می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). از این‌رو، الگوی اقتصاد مقاومتی به مثابه یک اندیشه، الگویی اسلامی است که ناظر به چگونگی مستحکم‌سازی اقتصاد در مقابل آسیب‌پذیری‌های اقتصادی است. بر این اساس، اندیشه اقتصاد مقاومتی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای را این‌گونه می‌توان تعریف کرد:

اقتصاد مقاومتی الگویی اسلامی است که ضمن توصیف و تبیین شکنندگی‌های اقتصادی (به‌خصوص در شرایط تحریم اقتصادی) و مختصات یک اقتصاد مقاوم در رویکرد اسلامی، به بررسی چگونگی مواجهه با ترفندهای اقتصادی دشمنان (همانند تحریم‌های اقتصادی)، مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد برای افزایش استحکام کشور در مقابل تکانه‌های خارجی براساس آموزه‌های اسلامی می‌پردازد.

در این تعریف، دو بعد نظری اندیشه اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است: بعد اول، مقوله تبیین و توصیف آسیب‌پذیری یا شکنندگی اقتصادی است؛ بعد دوم، سیاست‌گذاری مقاوم‌سازی یا مستحکم‌سازی پایه‌های اقتصاد است.

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، گاه مباحث اقتصاد مقاومتی به صورت عام و گاه به صورت خاص و ناظر به اقتصاد ایران بیان شده است. در برخی از بیانات به این نکته اشاره شده که گرایش به ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی به ما اختصاص ندارد و دیگران نیز به سمت آن رفته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۰۲). در مقابل، این نکته نیز مورد توجه قرار گرفته که اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱/۱).

در همین راستا ایشان گاه تحلیلی کلی از شکنندگی و مقاوم‌سازی اقتصادی دارند و در برخی موارد به شکل خاص به تبیین آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران و سیاست‌های ضروری برای افزایش استحکام اقتصاد ایران می‌پردازند. در بیان ایشان، اتکای اقتصاد ایران به خام‌فروشی و فروش نفت یکی از عواملی است که باعث آسیب‌پذیری اقتصاد کشور شده است. در مقابل، وجود نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده به مثابه ظرفیتی برای مقاوم‌سازی اقتصاد ایران معرفی شده است. سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز حاوی راهبردها و راهکارهایی برای مقاوم‌سازی و مستحکم‌سازی اقتصاد ایران است.

اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان الگویی اسلامی معرفی کنیم، هر دو بعد نظری آن باید

برگرفته از اندیشه اسلامی باشد. این بدان معناست که نظریات تبیینی و سیاستی اقتصاد مقاومتی در تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی اقتصادی را باید بتوان به اسلام نسبت داد.

۶. ابعاد نظری اقتصاد مقاومتی

اگر تفکیک میان توصیف، تبیین و توصیه سیاست اقتصادی در نظریات اقتصاد اسلامی پذیرفته شود، همین دسته‌بندی در مورد نظریات اقتصاد مقاومتی نیز قابل تطبیق است. بر این اساس می‌توان بین نظریات تبیینی (شامل پیش‌بینی)، توصیفی و سیاستی اقتصاد مقاومتی تفکیک کرد. هرچند اقتصاد مقاومتی به‌طور عمده در قالب نظریه حاوی سیاست‌هایی برای اقتصاد ایران ارائه شده است، ابعاد نظری آن از عمومیت بیشتری برخوردار است. در این چارچوب می‌توان بین نظریه عام اقتصاد مقاومتی و نظریه خاص اقتصاد مقاومتی تفکیک کرد. نظریه عام رویکردی عام در تحلیل شکنندگی و مقاوم‌سازی اقتصادی در رویکرد اسلامی دارد؛ نظریه خاص اقتصاد مقاومتی به شرایط زمانی و مکانی اقتصاد ایران در دوره حاضر اختصاص دارد. نظریه عام اقتصاد مقاومتی به صورت صریح یا ضمنی حاوی چند نظریه زیر است:

۱. نظریه تبیینی اقتصاد مقاومتی: این نظریه به تبیین و پیش‌بینی شکنندگی‌های اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌پردازد؛

۲. نظریه توصیفی اقتصاد مقاومتی: این نظریه به توصیف و اندازه‌گیری وضعیت شکنندگی و مقاومت اقتصادی کشورها با رویکرد اسلامی می‌پردازد. مباحث مرتبط با شاخص اقتصاد مقاومتی در این دسته قرار می‌گیرد؛

۳. نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی: این نظریه به ارزیابی و توصیه سیاست‌های مؤثر بر کاهش شکنندگی‌های اقتصادی و تقویت مقاومت اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌پردازد.

نظریه خاص اقتصاد مقاومتی نیز حاوی سه دسته نظریه بالاست؛ با این تفاوت که نظریات مزبور با توجه به شرایط مکانی و زمانی اقتصاد ایران تدوین و بیان می‌شوند. در این راستا می‌توان عنوان کرد که سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بخشی از نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی در مورد اقتصاد ایران است.

نظریه تبیینی اقتصاد مقاومتی

نظریه تبیینی اقتصاد مقاومتی به تبیین و پیش‌بینی عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌پردازد. نظریه آسیب‌پذیری اقتصادی با رویکرد اسلامی به بررسی

عوامل مؤثر بر شکنندگی اقتصاد از نگاه اسلامی می‌پردازد. نظریه مقاومت‌سازی اقتصادی با رویکرد اسلامی نیز به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش مقاومت اقتصادی می‌پردازد. برخی از پژوهشگران به بسط نظریه تبیینی اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند؛ برای نمونه، میرمعزی (۱۳۹۱) رویکرد جهادی را متغیری محوری در تقویت مقاومت اقتصادی می‌داند. در همین راستا می‌توان عنوان کرد که در رویکرد اسلامی، ربا به‌عنوان یکی از عوامل اساسی آسیب‌پذیری اقتصادی قلمداد شده است. در مقابل، الگوی مشارکت در سود و زیان به‌عنوان راهبردی برای کاستن از آسیب‌پذیری‌های نظام پولی ارائه می‌شود (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۷۸ و ۱۱۲).

نظریه توصیفی اقتصاد مقاومتی

نظریه توصیفی اقتصاد مقاومتی به سنجش وضعیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی با استفاده از شاخص‌های اقتصادی می‌پردازد. در ضمن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برخی شاخص‌های سنجشی برای سنجیدن اهدافی همچون درون‌زایی، دانش‌بنیانی و مردمی‌شدن معرفی شده است.

نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی

نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی به ارزیابی و توصیه سیاست‌های لازم برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. این ارزیابی مبتنی بر ارزش‌ها و نظام ارزشی اسلامی است. در این نظریه باید تبیین مناسبی از ارزش‌ها و نظام ارزشی پذیرفته شده از جمله ارزش عدالت، کارایی، رقابت و مانند آن ارائه شود.

هویت بومی نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی بسیار قوی است. هنگامی که در پی پیشنهاد سیاست برای اقتصادی همانند اقتصاد ایران هستیم، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به اقتضانات اقتصاد ایران تنظیم می‌شود؛ این سیاست‌ها ممکن است گاه برای دیگر کشورها مناسب نباشد. برای نمونه، سیاست ۱۳ تا ۱۵ با توجه به اقتضانات اقتصاد نفتی ایران تنظیم شده که در مورد کشورهای غیرنفتی مطرح نیست.

جدول ۱. سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی

ش	محتوای سیاست	ش	محتوای سیاست
۱	فعال‌سازی امکانات، منابع مالی، سرمایه انسانی و سرمایه علمی؛ توسعه کارآفرینی؛ تشویق همکاری جمعی؛ ارتقاء درآمد طبقات کم درآمد و متوسط	۱۳	مقابله با ضربه‌پذیری درآمد نفت و گاز صادراتی، انتخاب مشتریان راهبردی، ایجاد تنوع در روش‌های فروش، مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش، افزایش صادرات گاز، برق، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی
۲	پیش‌تازی اقتصاد دانش‌بنیان، اجرای نقشه جامع علمی، سازماندهی نظام نوآوری، افزایش تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان، کسب رتبه اول منطقه در اقتصاد دانش‌بنیان	۱۴	افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، تقویت اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز، حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میداین مشترک
۳	محور قرار دادن رشد بهره‌وری، تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی گاز، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، تقویت رقابت بین منطقه‌ای و استانی، به‌کارگیری ظرفیت‌های و مزیت‌های منطقه‌ای	۱۵	تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید، کالاهای دارای بازدهی پهنه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی)، افزایش صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی، برداشت صیانتی از منابع.
۴	هدم‌ندسازی یارانه‌ها، افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی، ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی	۱۶	صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت، حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید
۵	سهم‌بری عادلانه عوامل تولید، افزایش سهم‌بری سرمایه انسانی، ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه	۱۷	اصلاح نظام درآمدی دولت، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
۶	افزایش تولید داخلی نهادها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، اولویت به تولید، محصولات و خدمات راهبردی، کاهش وابستگی وارداتی به کشورهای محدود و خاص، تنوع‌بخشی مبادی تأمین کالاهای وارداتی	۱۸	افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز، قطع وابستگی بودجه به نفت
۷	امنیت غذایی، امنیت دارویی، ایجاد ذخایر راهبردی، افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)	۱۹	شفاف‌سازی اقتصاد، سالم‌سازی اقتصاد، جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساد در حوزه‌های بومی، تجاری، ارزی
۸	مدیریت مصرف، اصلاح الگوی مصرف، ترویج مصرف کالاهای داخلی، ارتقاء کیفیت کالای داخلی، بهبود رقابت‌پذیری در تولید	۲۰	تقویت فرهنگ جهادی، اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه
۹	اصلاح و تقویت نظام مالی، تقویت پاسخ‌گویی نظام مالی به نیازهای اقتصاد مالی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی، پیشگامی نظام مالی در تقویت بخش واقعی	۲۱	گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی
۱۰	حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها، خدمات به تناسب ارزش افزوده، خالص ارزآوری مثبت، تسهیل مقررات صادرات، ثبات روبه و مقررات صادرات، مشوق‌های صادراتی، گسترش ترانزیت و زیرساخت‌های آن، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه، میادلات تهاثری، گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف	۲۲	شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان برنامه‌های تحریم، افزایش هزینه دشمن، آفندی و اقدامات مناسب، رصد مدیریت مخاطرات اقتصادی، تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی
۱۱	توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، انتقال فناوری‌های پیشرفته از این مناطق، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج	۲۳	شفاف و روان‌سازی مقام توزیع و قیمت‌گذاری، روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار
۱۲	افزایش قدرت مقاومت اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، توسعه پیوندهای راهبردی، گسترش همکاری، و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان، تقویت دیپلماسی، اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای	۲۴	افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی، ترویج استاندارد

نظریه تبیینی اقتصاد مقاومتی

تبیین و پیش‌بینی عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری و مقاومت اقتصادی با رویکرد اسلامی

- تأثیر ربا بر شکنندگی اقتصادی و تأثیر مثبت نظام مشارکت در سود و زیان بر تقویت مقاومت اقتصادی
- تأثیر مصرف‌گرایی بر شکنندگی اقتصادی و در مقابل تأثیر فرهنگ ایثار بر تقویت مقاومت اقتصادی

نظریه توصیفی اقتصاد مقاومتی

سنجش و اندازه‌گیری شکنندگی و مقاومت اقتصادی با رویکرد اسلامی

- شاخص‌های دانش‌بنیانی، عدالت‌بنیانی، درونزایی، برون‌گرایی، مردمی‌سازی، رویکرد جهادی، ...

نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی

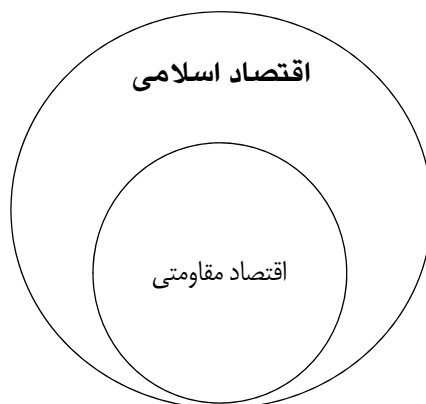
ارزیابی و توصیه سیاست‌های اقتصادی برای تقویت مقاومت اقتصادی با رویکرد اسلامی

- تشویق همکاری جمعی، تقویت دیپلماسی اقتصادی، افزایش شرکای صادراتی و وارداتی، افزایش تولید نهاده داخلی، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، شفاف‌سازی اقتصاد، هدفمندسازی یارانه‌ها، مدیریت مصرف، اصلاح الگوی مصرف، افزایش سهم مالیات در تأمین بودجه دولت، تقویت ارتباط نظام مالی و بخش واقعی اقتصاد، ...

شکل ۴: مؤلفه‌های نظری اقتصاد مقاومتی

۷. نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

براساس تعریف منتخب اقتصاد اسلامی، این دانش به تبیین اهداف محوری نظام اقتصادی اسلام مشتمل بر رشد، عدالت و امنیت (استحکام) اقتصادی و چگونگی تحقق آن می‌پردازد. اقتصاد مقاومتی نیز دانشی است که به تحلیل شکنندگی اقتصاد جامعه اسلامی در مقابل تهدیدهای درونی و بیرونی و چگونگی تقویت استحکام اقتصادی می‌پردازد.



شکل ۵: نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

اگر ایجاد امنیت و استحکام اقتصادی به‌عنوان یکی از اهداف اقتصاد اسلامی پذیرفته شود که پیش‌تر شواهدی برای آن ارائه شد، تحلیل‌های اقتصاد مقاومتی بخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی خواهند بود؛ زیرا مطالعات اقتصاد مقاومتی به بررسی چگونگی تحقق یکی از اهداف اقتصاد اسلامی یعنی هدف امنیت و استحکام اقتصادی می‌پردازد.

اگر تفسیری موقعیتی از اقتصاد مقاومتی ارائه و آن تنها ناظر به شرایط تحریم اقتصادی دانسته شود، ادبیات اقتصاد مقاومتی به‌عنوان بخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی به بررسی وضعیتی خاص می‌پردازد. در مقابل، اگر، اقتصاد مقاومتی منحصر به شرایط خاص تحریم دانسته نشود، ادبیات اقتصاد مقاومتی بخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی خواهد بود که تحقق هدف استحکام اقتصادی حتی در شرایط فقدان تهدید را نیز بررسی می‌کند.

اگر پذیرفته شود که رشد، عدالت و امنیت (استحکام) اقتصادی سه هدف محوری در اقتصاد اسلامی است، نظریات مرتبط با هریک از این سه هدف کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی را تشکیل خواهند داد. بر این اساس، ادبیات اقتصاد مقاومتی را می‌توان به‌عنوان یکی از کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی قلمداد کرد. این کلان نظریه به دنبال ارائه راهبرد اسلام برای مدیریت اقتصاد اسلامی با فرض وجود شرایط شکننده و تهدیدکننده است. در کنار این کلان نظریه می‌توان از کلان نظریه‌های دیگری همانند نظریه عدالت اقتصادی و نظریه پیشرفت اقتصادی سخن گفت.

از آنجاکه اقتصاد مقاومتی بخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی است، تحلیل‌های آن نسبت به شکنندگی و مقاوم‌سازی اقتصادی برخاسته از مکتب اقتصادی اسلام و متمایز از تحلیل سایر مکاتب اقتصادی است. به‌طور نمونه، در رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری، نرخ بهره به‌عنوان متغیری اساسی باعث بهبود کارکرد نظام مالی و تخصیص بهینه منابع مالی کمیاب می‌شود. در مقابل، اقتصاد اسلامی ظهور ربا در اقتصاد را موجب آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌داند. این دو نوع تحلیل موجب ارائه ساختارهای نهادی متفاوت جهت سازماندهی نظام مالی در اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی می‌شود.

۸. رابطه اقتصاد مقاومتی با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نظریه اقتصاد مقاومتی را می‌توان با دیگر نظریات اقتصاد اسلامی از جمله نظریه پیشرفت اقتصادی، و نظریه عدالت اقتصادی مقایسه کرد. در اینجا به‌طور نمونه، بر رابطه بین نظریات مرتبط با الگوی اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تمرکز می‌شود. هرچند در سال‌های اخیر توجه زیادی به اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های ابلاغی آن شده است، تحلیل مناسبی از رابطه بین برنامه‌های توسعه‌ای کشور و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ارائه نشده است.

مباحث اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان از جهت محور تحلیلی متمایز دانست. تمرکز این دو به ترتیب بر تجزیه و تحلیل چگونگی دستیابی به استحکام و پیشرفت اقتصادی است؛ البته الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی قرابت مفهومی زیادی دارد. هرچند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی سیاست‌هایی برای تقویت استحکام اقتصادی در مواجهه با شوک‌های داخلی و خارجی است، راهبردهای مطرح شده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز به دنبال رشد و توسعه‌ای پایدار و مستحکم است. بر این اساس، مباحث نظریه سیاستی اقتصاد مقاومتی می‌تواند در خدمت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد؛ زیرا الگوی پیشرفت نیز افزون بر دو هدف رشد و عدالت، استحکام و امنیت اقتصادی را نیز دنبال می‌کند.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به دنبال ایجاد نظام اقتصادی مقاومتی است که بتواند روند رو به رشد خود توأم با عدالت اقتصادی را بدون وقفه و توأم با استحکام و بدون شکنندگی استمرار بخشد. در این چارچوب، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یکی از قیود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پیشرفت مطرح می‌شود. این رویکرد با گرایش‌های اخیر در ادبیات توسعه به سمت توسعه پایدار هماهنگی دارد؛ زیرا در ادبیات توسعه پایدار تا حدود زیادی به مقوله شکنندگی‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه زیست‌محیطی توجه شده است.

باید توجه کرد که تفکیک اقتصاد مقاومتی و اقتصاد پیشرفت به معنای این نیست که در مباحث اقتصاد مقاومتی به دو هدف رشد و عدالت اقتصادی توجه نمی‌شود. در اقتصاد مقاومتی محور تحلیل استحکام اقتصادی است و در این تحلیل اثر بهبود عدالت و رشد بر استحکام اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، اقتصاد مقاومتی عدالت‌بنیان و مولد معرفی شده است. در مباحث اقتصاد مقاومتی تأثیر تحقق رشد و عدالت بر استحکام اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در مقابل، محور تحلیل در اقتصاد پیشرفت، استحکام اقتصادی نیست؛ هرچند که ممکن است به تأثیر آن بر رشد و پیشرفت اقتصادی توجه شود. گذشته از آنکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت افزون بر هدف‌گذاری پیشرفت اقتصادی، پیشرفت در دیگر ابعاد از جمله پیشرفت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد.

رابطه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند الزاماتی برای تدوین برنامه‌های توسعه داشته باشد. این الزامات شامل هدف‌گذاری مقاومت اقتصادی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، آسیب‌شناسی مقاومت اقتصادی و تلاش برای تدوین ترفندهای ایمن‌ساز می‌شود. همچنین، می‌توان برنامه‌های توسعه را از منظر تأثیر آنها بر مؤلفه‌های قوام‌بخش یک اقتصاد مقاوم از جمله درون‌زایی، برون‌نگری، دانش‌بنیانی، عدالت‌بنیانی، مردم‌بنیانی و فرهنگ جهادی نیز مورد بررسی قرار داد (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۱۲-۱۳).

در سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت که در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۲ از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای اظهار نظر نهادها و نیروهای علمی ابلاغ شد، برخی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در افق و تدابیر الگو گنجانده شده است. در افق الگو آمده است: «تا سال ۱۴۴۴ ایران ... از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و ... برخوردار، ... است. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده است».

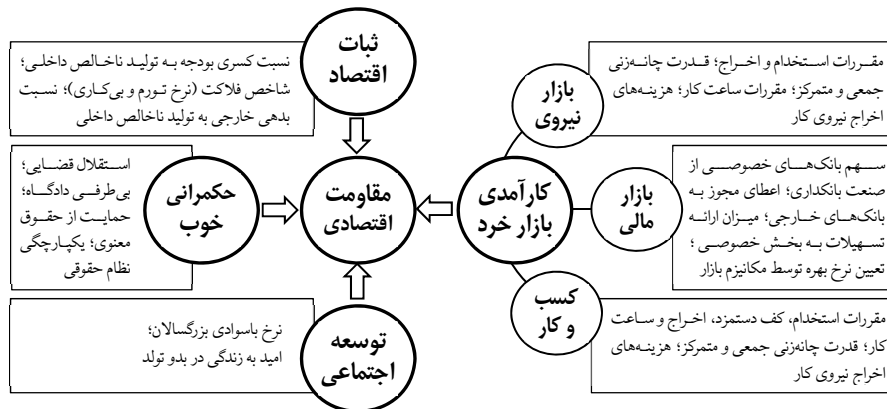
بخشی از تدابیر ۵۶ گانه مطرح شده در این الگو برگرفته از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. برای نمونه در این تدابیر بر ضرورت توقف خام‌فروشی منابع (تدبیر ۲۵)، مصون‌سازی و تقویت فرایندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در مقابل تکانه‌های سیاسی-اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند برون‌زا (تدبیر ۲۶)، بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی (تدبیر ۳۲)، ترویج روحیه جهادی (تدبیر ۵۵) تأکید شده است.

۹. رابطه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد تاب‌آوری

ادبیات اقتصاد تاب‌آوری در این وجه با ادبیات اقتصاد مقاومتی مشترک است که هر دو بر اهمیت آسیب‌شناسی و مقاوم‌سازی اقتصادی تأکید کرده و سؤال‌های مشترکی در زمینه عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری اقتصادی و راهبردهای مقاوم‌سازی ارائه می‌دهند. با این وجود این دو ادبیات دست‌کم از دو جهت متفاوت‌اند:

اول، نظریات تاب‌آوری به‌طور عمده بر مشکل اقتصادهای کوچک در برابر شوک‌های غیرسیاسی همچون شوک حوادث طبیعی توجه می‌کنند؛ این در حالی است که در اقتصاد مقاومتی توجه خاصی به شوک‌های اقتصاد سیاسی از جمله شوک‌های تحریمی می‌شود؛

دوم، رویکرد نظریه‌پردازان تاب‌آوری اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از جهت نظری یکسان نیست. در این دو رویکرد تحلیل‌های متفاوتی نسبت به عوامل ایجاد شکنندگی اقتصادی و مقاومت یا تاب‌آوری اقتصادی ارائه می‌شود. برای نمونه، اتکینس و همکاران (۲۰۰۰) به باز بودن اقتصاد، عدم تنوع صادراتی و فجایع طبیعی اشاره می‌کنند. بریگیلگو و همکاران (۲۰۰۶) عناصری همچون ثبات اقتصاد کلان، توسعه اجتماعی، حکمرانی خوب و کارآمدی بازار خرد را به‌عنوان مشخصه‌های یک اقتصاد تاب‌آور کرده‌اند. در این تحلیل، نرخ بهره و آزادسازی نرخ بهره به‌عنوان ملاک تاب‌آوری نظام مالی معرفی شده است. گولیمانن (۲۰۰۹) به مقولات دیگری همچون در معرض شوک بودن (حجم جمعیت، دور افتادگی، ساختار اقتصادی و ...)، حجم شوک‌ها (شوک‌های طبیعی، عدم ثبات تولیدات کشاورزی و عدم ثبات صادرات) اشاره می‌کند (Briguglio 2014, p 12-13):

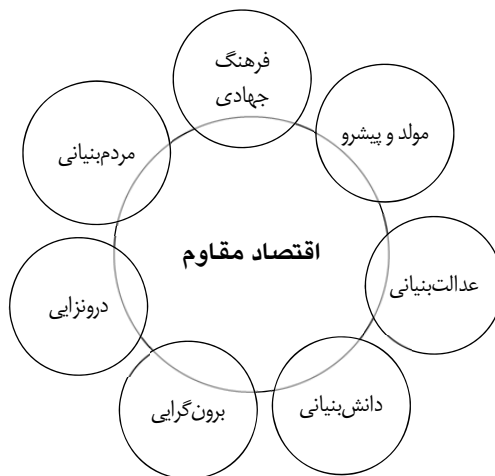


Source: Briguglio et al., 2006

شکل ۶: مؤلفه‌های نظریه تاب‌آوری اقتصادی بریگیگلو و همکاران، ۲۰۰۶

سوم، نظریات تاب‌آوری اقتصادی بر مبانی اقتصاد متعارف استوارند و اهداف و اصول آن در همان راستا قرار دارند.

در مقابل، ایده اقتصاد مقاومتی رویکرد متفاوتی در تحلیل آسیب‌شناسی و مقاوم‌سازی اقتصادی دارد. در این رویکرد، مقاوم‌سازی اقتصادی بر تحقق اموری چون درون‌زایی، برون‌گرایی، دانش‌بنیانی، فرهنگ جهادی، مردم‌بنیانی، و عدالت‌بنیانی متکی شده است. برخی از این مؤلفه‌ها از جمله رویکرد جهادی تنها در بستر اندیشه اسلامی معنا و مفهوم دارد. اقتصاد مقاومتی بر مبانی اسلامی مبتنی است و در نتیجه اهداف و اصول آن نیز ریشه در معارف اقتصادی اسلام دارد.



شکل ۷: مؤلفه‌های قوام‌بخش یک اقتصاد مقاوم از نگاه اقتصاد مقاومتی

۹. نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های ممکن برای نسبت‌سنجی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی، توجه به تعریف آن دو و مؤلفه‌های نظری‌شان است. پژوهشگران مسلمان به‌طور عمده اقتصاد اسلامی را به‌عنوان رویکرد اسلام در تجزیه و تحلیل فعالیت‌ها و وضعیت‌های اقتصادی و چگونگی دستیابی به اهداف اقتصادی اسلام قلمداد کرده‌اند. اقتصاد مقاومتی نیز به‌عنوان الگویی برآمده از نظام اقتصادی اسلام تعریف شده که اجرای سیاست‌های آن باعث کاهش شکنندگی اقتصادی و افزایش قدرت مقاومت اقتصادی در مقابل شوک‌های درونی و بیرونی می‌شود.

در این مقاله استدلال شد که اقتصاد مقاومتی را می‌توان بخشی از ادبیات اقتصاد اسلامی قلمداد کرد که دیدگاه اسلام در زمینه آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی اقتصادی را تبیین و سیاست‌های متناسب برای دستیابی به آن را تجویز می‌کند. در این چارچوب، ادبیات اقتصاد مقاومتی را می‌توان مشتمل بر نظریات تبیینی، توصیفی و سیاستی دانست که در هر سه حوزه بیانگر رویکرد اسلام در تحلیل شکنندگی‌های اقتصادی و چگونگی مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهاست. اگر ادبیات اقتصاد مقاومتی ناظر به اقتصاد ایران تنظیم شود، شاهد تولد ادبیات اقتصاد مقاومتی ایران خواهیم بود که با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی کشور تنظیم شده است.

نظریات اقتصاد مقاومتی به‌واسطه اتکاء بر اندیشه‌های مکتب اقتصاد اسلامی متمایز از تحلیل‌های گسترش یافته در قالب اقتصاد شکنندگی و تاب‌آوری است. ادبیات اخیر با توجه به تحلیل شکنندگی‌های کشورهای کوچک در برابر شوک‌های انتقال یافته از اقتصادهای بزرگ و قالب براساس رویکرد اقتصاد متعارف گسترش یافته است. در مقابل، اقتصاد مقاومتی تحلیل فراگیرتری از شکنندگی‌های اقتصادی به‌ویژه در فضای تحریم دارد و به بسط دیدگاه اسلام در تحلیل شکنندگی و مقاوم‌سازی اقتصادی می‌پردازد.

هرچند ادبیات اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دو زاویه متفاوت به تحلیل نظام اقتصادی اسلامی می‌پردازند، این دو به‌عنوان بخش‌هایی از ادبیات اقتصاد اسلامی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. با وارد کردن مباحث اقتصاد مقاومتی در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رشد اقتصادی پایدار و مستحکم هدف‌گذاری خواهد شد.

منابع

۱. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «دیدگاه‌های شاگردان شهید صدر درباره نظر استاد»، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۲. ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.
۳. ترکمانی، عدنان خالد (۱۹۹۰)، المذهب الاقتصادي الاسلامی، جده: مكتبة السوادی.
۴. تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۰)، اقتصاد اسلامی: درس‌هایی در آیین اقتصادی اسلام، ترجمه م. مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۵. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۵)، «نقد لایحه برنامه ششم توسعه از منظر اقتصاد مقاومتی»، در مجموعه مقالات همایش برنامه ششم توسعه از دیدگاه اقتصاد اسلامی، ص ۳-۲۰.
۶. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۶)، خاکریز اقتصادی: خوانشی بر اقتصاد مقاومتی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۷. جنیدل، حمدبن عبدالرحمن (۱۴۰۶هـ)، مناهج الباحثین فی الاقتصاد الاسلامی، ج ۱، ریاض: شركة العبيکان للطباعة و النشر.
۸. حاجی، جعفر عباس (۱۹۸۷)، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، بیروت: مكتبة الافین.
۹. خطاب، کمال توفیق محمد (۱۴۲۴ق)، «منهجیه البحث فی الاقتصاد الاسلامی و علاقته بالنصوص الشرعیة»، مجلة جامعة ملک عبدالعزیز: الاقتصاد الاسلامی، ش ۱۶، ص ۳-۴۰.
۱۰. خالدی، محمود (۱۹۸۴م)، مفهوم الاقتصاد فی الاسلام، بیروت: دارالجلیل.
۱۱. سیدعلی، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۳/۱۲/۲۰)؛ بیانات در حرم مطهر رضوی (۱۳۹۲/۰۱/۰۱؛ ۱۳۹۳/۰۱/۰۱)؛ بیانات در دیدار مردم اصفهان (۱۳۹۵/۰۸/۲۶).
۱۲. دادگر، یدالله (۱۳۸۱)، «چیستی اقتصاد اسلامی و چگونگی عناصر محوری آن»، ماهیت اقتصاد اسلامی، ص ۲۶-۵۶.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۳)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بهمن ماه ۱۳۹۲.

۱۴. سیف اله، مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، آفاق امنیت، ش ۱۶، ص ۵-۲۲.
۱۵. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۷۳.
۱۶. صدر، محمدباقر (۱۴۰۰ق)، اقتصادنا، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۷. صدیقی، نجات‌الله (۱۳۷۴)، «اندیشه‌های اقتصادی مسلمانان: بررسی متون معاصر»، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۸. عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل، تهران: سدید.
۱۹. غفاری، هادی و علی یونسی (۱۳۹۰)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۰. فنجری، محمد شوقی (۱۹۷۱)، المدخل الى الاقتصاد الاسلامی، قاهره: الهيئة المصرية العامة لكتاب.
۲۱. قحف، منذر (۱۳۸۸)، «علم اقتصاد اسلامی: تعریف و روش»، فلسفه اقتصاد اسلامی، تدوین سیدحسین میرمعزی، ص ۲۰۷-۲۴۱.
۲۲. متن الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، ابلاغی برای اظهارنظر علمی در ۱۳۹۷/۷/۲۲.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مصباحی مقدم، غلامرضا، زریباف، مهدی (۱۳۹۴)، گفتارهایی درباره حوزه‌های معرفتی و شناختی اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۵. مصری، رفیق یونس (۲۰۰۱)، بحوث فی الاقتصاد الاسلامی، دمشق: دارالمکتبی.
۲۶. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵)، «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۲، ص ۱۲۳-۱۴۶.
۲۷. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی اسلام؛ مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، اقتصاد اسلامی، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.
۲۹. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۴ الف)، «تعریف و روش کشف مذهب اقتصادی اسلام»، اقتصاد اسلامی، ش ۵۷، ص ۵-۳۰.
۳۰. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۴ ب)، «فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ش ۵۹، ص ۵-۳۲.

۳۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵)، مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی، شهرکرد: نشر مقاومت.
۳۲. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۶)، نظام اقتصاد مقاومتی الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام، نگاه فارسی.
33. Abu-Rabi, I. (1994), *Islamic Resurgence: Challenges, Directions and Future Perspectives: A Round Table Discussion with Prof. Khurshid Ahmad*. Tampa: The world and Islam Institute.
34. Anjum, M. (1996), "Eternal Challenge of Islamic Economics to Capitalism and Communism", *Humanomics*, Vol. 12, No.1, pp. 53-90.
35. Atkins, J. et al (2000), A Commonwealth vulnerability index for developing countries: The position of small states, Commonwealth Secretariat Economic Report 40.
36. Attia, G. (2007), *Towards Realization of the Higher Intents of Islamic Law*. (N. Roberts, Trans). London: IIIT.
37. Boadway, R., & Neil, B., (1993), *Welfare Economics*, Blackwell.
38. Briguglio, L. and Cordina, G., et al., (2006), *conceptualizing and measuring economic resilience Building the economic resilience of small states*, Economics Department, University of Malta.
39. Briguglio, Lino, (2014), "The Vulnerability Resilience Framework for Small States", Non-published Paper.
40. Chapra, M., (2000), *The Future of Economics; An Islamic Perspective*, Leicester, UK: The Islamic Foundation.
41. Furqani, H., (2015), *Definition of Islamic Economics as a Discipline: Challenges in the Clarification and Classification*, 10th international Conference on Islamic Economics and Finance.
42. Ghanim, H., (1991), *AL-Iqtited Al-Islemi wa Mushkilah Al-Iqtitediyyah*, Al-Manierah: Dar al-Wafa.
43. Guillaumont, P. (2009). An economic vulnerability index: Its design and use for international development policy, *Oxford Development Studies*, 37(3), 193-228.
44. Haneef, M., (1997), "Islam, The Islamic Worldviews, and Islamic Economics", *IIUM Journal of Economics and Managment*, Vol.5, No. 1, pp.39-65.
45. Hasan, Z., (1998), "Islamization of knowledge in Economics: Issues and Agenda", *IIUM Journal of Economics and Managment*, Vol. 6, No. 2, pp. 1-40.

46. Hasanuzzaman, S., (1984), "Difinition of Islamic Economics", *Journal of Research in Islamic Economics*, Vol. 1, No. 2, pp.49–50.
47. Iqbal, Z., & Lewis, M., (2009), *An Islamic Perspective on Government*, UK: Edward Elgar.
48. Kahf, M., (2003), "Islamic Economics: Notes on Definition and Methodology", *Review of Islamic Economics*, No. 13, pp. 23–47.
49. Khan, M., (1984), "Islamic Economics: Nature and Need", *Journal of Research in Islamic Economics*, Vol. 1, No. 2, pp. 55–61.
50. Mannan, M., (1984), *The Making of Islamic Economic Society*, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, King Abdul Aziz University.
51. Mannan, M., (1986), *Islamic Economics: Theory and Practice*, Cambridge: Hodder and Stoughton.
52. Masry, R., (1999), *Buhuts Fiqaleqtisad Alislami*. Syria: Dar-al Maktabi.
53. Metwally, M., (1993), *Essays on Islamic Economics*. Jeddah: IRTI, IDB.
54. Naqavi, S., (1994), *Islam, Economics and Society*. London: Kegan Paul International.
55. Siddiqi, M., (2005), *Teaching Islamic Economics*, Jeddah, Saudi Arabia: Scientific Publishing Centre King Abdulaziz University.
56. Taskhiri, M., (1996), "Islamic Economy: Its Ideological and Legal Foundations", *Message of Thaqaalayn*, Vol. 2, No. 3 & 4, pp.117–132.
57. Yousri, A., (2002), "The Scientific Approach to Islamic Economics: Philosophy, Theoretical Construction and Applicability". In H. Ahmed (Ed.), *Theoretical Foundations of Islamic Economics*, pp. 20-60, Jeddah: IRTI-IDB.
58. Zarqa, Muhammad Anas (2003), «Islamization of Economics: The Concept and Methodology», *Journal of King Abdul Aziz University: Islamic Economics*, vol.16, no.1, p.3-42.